روزنه

پیام‌های یک عملیات تروریستی

■ عملیات اشغال خونین ساختمان شورای استان دیالی عراق توسط تروریست‌ها، می‌تواند محکی برای سنجش میزان قدرت نهادهای امنیتی و نظامی عراق به کار رود، به خصوص در زمانی که قرار است طبق توافقنامه امضا شده بین عراق و آمریکا در دسامبر سال ۲۰۰۸، نیروهای آمریکایی تا پایان سال جاری میلادی خاک عراق را ترک کنند. یک منبع امنیتی در استانداری دیالی اعلام کرد، در این حادثه که به شکل حمله افراد مسلح ناشناس بروز کرد، هفت نفر (شش مرد و یک زن) کشته شدند و بیش از ۲۰ نفر نیز مجروح شدند. این دومین حمله در نوع خود و درکمتر از سه ماه است که در آن افراد مسلح وابسته به «دولت اسلامی عراق» به اماکن دولتی و به صورت مستقیم حمله می‌کنند. دفعه پیش افراد مسلح در ۲۹مارس ساختمان استانداری صلاح الدین (۱۹۰کیلومتری بغداد) را هدف قرار داده بودند که این حادثه به کشته و زخمی شدن بیش از ۱۳۰ نفر منجر شد که سه نفر از آنها از اعضای شورای این استان بودند.

اسماعیل‌المشکوری (سرگرد سابق ارتش عراق) می‌گوید: تکرار یک سناریو یعنی ضعف اقدامات امنیتی و عدم توانایی برای گرفتن درس از عملیات‌های گذشته دشمن. به اعتقاد وی اشغال ساختمان استانداری صلاح‌الدین درست به همین روش انجام شد. یعنی انفجار یک اتومبیل بمب‌گذاری شده و سپس انفجار کمربندهای انتحاری برای پاکسازی راه و هموار کردن آن برای ورود نیروهای تعیین شده. وی در عین حال این پرسش را در میان می‌گذارد که اگر کنفرانس‌های دوره‌ای بود و فرماندهان نظامی دیدارهایی داشتند و اگر حتی بعد از وقوع این عملیات‌ها در صلاح‌الدین و اخیرا دیالی مسایل بررسی می‌شد و ذهنیت دشمن و نحوه تفکر و اقدام او مورد بررسی قرار می‌گرفت دیگر امکان نداشت چنین حوادثی تکرار شود. در واقع تکرار عملیات اشغال دفاتر حکومتی و گسترش خطوط حمله مهاجمان دو تصویر متناقض را در اختیار ما می‌گذارد. یکی عقب ماندگی طرح‌های امنیتی برای مبارزه با این‌گونه عملیات چون یک سناریو تکرار شده است و دیگری رشد توان افراد مسلح در تشخیص خلأهای امنیتی دستگاه‌ها و وارد آوردن بیشترین خسارت‌ها.

تراث العزاوی، سخنگوی استان دیالی درباره این حادثه می‌گوید: اتومبیل بمب‌گذاری شده را یک نفر انتحاری هدایت می‌کرد و در آستانه در اصلی ساختمان شورای استانداری منفجر شد. به دنبال آن دو انفجار انتحاری دیگر در نزدیک دفاتر پذیرش استانداری رخ داد. در ادامه این ماجرا دو نفر از افراد مسلح که زخمی شده بودند، دستگیر شدند و منطقه توسط نیروهای گردان پنجم ارتش محاصره شد.

اما المشکوری به درس‌هایی اشاره می‌کند که باید هر افسری از این حادثه بگیرد. از جمله اینکه تداخل صنف‌های مختلف دستگاه‌های امنیتی موجب تداخل اقدامات می‌شود. یعنی در همان زمانی که نیروهای اطلاعاتی تقریبا سه هفته پیش وقوع این عملیات را پیش‌بینی کرده بودند، نیروهای موجود در منطقه از اتخاذ تدابیر لازم و پیشگیرانه عاجز ماندند و نتوانستند با تغییر آرایش نظامی خود مانع وقوع این حادثه شوند. به عقیده این کارشناس نظامی، طرح مهاجمان نسخه پیشرفته‌ای از همان عملیات اشغال مقر دولت در تکریت در بهار سال گذشته بود. در آن عملیات سعی شد نیروهای آمریکایی از حادثه به دور باشند یا دخالت‌شان به تاخیر افتد. در این عملیات نیز همین سناریو پیاده شد.

یک افسر بلندپایه در پلیس دیالی که نخواست نامش فاش شود به الحیات گفت: حدود ساعت ۹:۳۰ صبح عملیات با انفجار یک اتومبیل و دو انفجار انتحاری دیگر شروع شد. در آن لحظه هلیکوپترهای آمریکایی در آسمان پرواز می‌کردند و مشغول جست‌وجو برای پیدا کردن شلیک‌کننده موشک‌هایی بودند که چند دقیقه پیش به اردوگاه‌شان در پایگاه عباس بن فرناس اصابت کرده بود.

هنگامی که نیروهای مسلح با ویران کردن ساختمان پذیرش وارد شدند سربازان مستقر در برج‌های مراقبت اطراف به سوی آنها شلیک کردند و در نتیجه دو فرد مسلح مجروح شدند. پس از آن بود که هلیکوپترهای آمریکایی به زمین نشستند. افراد مسلح در گوشه‌ای پناه گرفتند و دیگر نتوانستند به ساختمان اصلی برسند. یعنی جایی که دفاتر اداری در آنجا بود. پس از آن بود که ارتش وارد شده و محل را محاصره کرد. سپس نیروهای آمریکایی وارد حیاط شدند و به گروگان گرفته‌شدگان را که حدود ۳۰ مراجعه‌کننده بودند، آزاد ساختند. علاوه بر اینها تقریبا ۲۰ کارمند هم در دفاتر خود مشغول کار بودند. درباره نحوه فرار بقیه مهاجمان هنوز اطلاعات روشنی در اختیار نیست. برخی معتقدند که آنها راه فرار مخصوصی داشتند که هنوز شناخته نشده است و برخی نیز معتقدند که آنها در لابه‌لای مراجعه‌کنندگان خود را مخفی کرده و سپس به همراه آنان آزاد شده‌اند.

انتقال اینچنین عملیاتی از شهرهای اطراف به شهرهای متصل به پایتخت یعنی بغداد می‌تواند حاوی پیام‌های متعددی باشد از جمله اینکه امنیت پایتخت از این پس در اختیار گروه‌های مسلح است و آنها قادرند هر زمانی که اراده کنند دست به اجرای چنین عملیاتی علیه اهدافی بزنند که می‌تواند بسیار بزرگ‌تر از بانک مرکزی باشد که دو سال پیش هدف قرار گرفت. از جمله این اهداف می‌تواند منطقه سبز بغداد یا مقرهای حکومتی باشد. پیام دیگر این عملیات این است که عراق همچنان به تجربه و تسلیحات نیروهای آمریکایی نیازمند است. نتایج منطقی که از این‌گونه عملیات می‌توان گرفت اینکه تغییر منطقه عملیات از انبار و موصل به صلاح‌الدین، دیالی و به‌خصوص انجام عملیاتی خاص نشان می‌دهد که جناح‌های اجرایی و فرماندهی در این گروه‌های مسلح مناطق را بین خود دست به دست می‌کنند.

منبع: الحیات

رازهای کامیابی اردوغان

پیمان موسوی

منبع: Getty images

شما می‌توانید آن را عدالتی شاعرانه بنامید. به سال ۱۹۹۹ باز می‌گردیم. رجب طیب اردوغان جوان با شعارهایی اسلام‌گرایانه و مردم‌فهم خود را بالا کشید. مردی که به خاطر زمزمه شعری قدیمی، توسط ژنرال‌های ترک ۱۰ ماهی در زندان به سر برده بود. ژنرال‌هایی که خود را حافظ منافع سکولاریسم می‌دانستند، شعر را توهین به همین منافع تشخیص دادند. شعری که حکایت می‌کرد: «مناره‌ها سرنیزه ما، مساجد پادگان ما و مومنین ارتش ما هستند». اردوغان به همین خاطر زندانی شد اما باید گفت که این ترانه هنوز ادامه دارد. اما چگونه؟

در ۱۲ ژوئن سال‌جاری حزب عدالت و توسعه به رهبری اردوغان برای سومین دوره پیاپی توانست اکثر کرسی‌های پارلمان را از آن خود کند. طرفه آنکه در سال ۲۰۰۷ این حزب ۴۷ درصد آرای ماخوذه را کسب کرده بود اما در این دوره حتی با افزایش جمعیت رای‌دهندگان، این رقم به ۵۰ درصد آرا رسید. با پیروزی نخست‌وزیر ترکیه در سال ۲۰۰۳ این پیروزی همان‌قدر که برای مردم استانبول باارزش تلقی می‌شد برای مردم بوسنی هم ارزشمند بود. در بیروت و دمشق همانند ازمیر و آنکارا این پیروزی خوشحالی مردمان آن دیار را در پی داشت.

به طور حتم در این دوره از انتخابات پارلمان، مردم ترکیه و حتی فراتر از آن به نتیجه این انتخابات چشم دوخته بودند. اردوغان هم اینک به اندازه مصطفی کمال، مشهور به آتاتورک (پدر ترک‌ها) برای ترکیه مدرن، مردی مهم و تاثیرگذار است. مردی ۵۷ ساله، فوتبالیست اسبق، از دیار استانبول، منطقه «کاسیم پاسا». او مردی مومن است که همسرش روسری به سر می‌کند و در اجتماعات این‌گونه حاضر می‌شود. او به یک آمریکایی مذهبی می‌ماند که در مناطق مرکزی تربیت شده است و حالا باید به قوانین منطقه ساحلی (روشنفکران سکولار) تمکین کند.

اردوغان نه تنها به خاطر اسلام‌گرا بودنش شهرت دارد، بلکه به خاطر راه‌اندازی میلیون‌ها کسب و کار کوچک و خوداشتغالی در بین مردمش شهرت کسب کرده است. کاری که او در دهه گذشته برای رشد اقتصادی ترکیه انجام داده است، کاری کم‌نظیر در عالم اقتصاد محسوب می‌شود. اردوغان در صحنه سیاست ترکیه نیز همچون شطرنج‌بازی است که می‌داند در انتخابات ملی چگونه با سخنان پوپولیستی حرکت کند. اما او می‌خواهد نقشی فراتر از مرزهای ترکیه ایفا کند. او می‌خواهد در عرصه سیاست و اقتصاد جهانی یک بازیگر باشد تا تماشاگر.

نخستین عامل پیروزی در ساختار پیروزی اردوغان چیست؟ مشخص است که نخستین عامل او اقتصاد است؛ مردم با کیف‌های پرپول‌شان در این دوره به پای صندوق‌های رای رفتند. «هنری بارکی» کارشناس مسایل ترکیه می‌گوید: «اصلاحات برای پیشرفت در ترکیه از دهه ۱۹۸۰ آغاز شد. ترکیه نیز همچون کشورهای درحال‌توسعه درهای کشورش را به روی بازارهای آزاد جهانی گشود. اما تا سال ۲۰۰۱ هیچ اتفاق خاصی نیفتاد. در این سال، ترکیه با تقویت پول خود در بازار بین‌المللی حرکت رو به جلو خود را آغاز کرد. در واقع حزب عدالت و توسعه با هدایتی استثنایی توانست این کشتی را به ساحل آرامش برساند. در طول دوره تصدی این حزب، درآمد سرانه مردم سه برابر شده است، صادرات این کشور چهار برابر افزایش داشته و تورم ۳۷ درصدی را به رقمی مابین پنج تا هشت درصد رسانده است. طبق برآورد موسسه «گلدمن ساکس»، ترکیه در حال حاضر هفدهمین اقتصاد برتر دنیاست. این موسسه همچنین در گزارش خود آورده است که ترکیه با این رویه تا سال ۲۰۵۰ به یکی از ۱۰ اقتصاد برتر دنیا تبدیل خواهد شد.

در ۱۲ ژوئن سال‌جاری حزب عدالت و توسعه به رهبری اردوغان برای سومین دوره پیاپی توانست اکثر کرسی‌های پارلمان را از آن خود کند. طرفه آنکه در سال ۲۰۰۷ این حزب ۴۷ درصد آرای ماخوذه را کسب کرده بود اما در این دوره حتی با افزایش جمعیت رای‌دهندگان، این رقم به ۵۰ درصد آرا رسید

در حالی که در بحران اقتصادی پیش‌آمده در اروپا بسیاری از کشورهای اروپایی به ویژه کشورهای شرق اروپا سپر انداختند و تسلیم شرایط شدند، ترکیه با جمعیتی نزدیک به ۷۹ میلیون نفر توانست سر سالم از این بحران به در برد. رشد اقتصاد ترکیه ۸/۹ درصد در سال گذشته بوده است. این رقم حتی سریع‌تر از رشد کشورهایی همچون چین و هندوستان بوده است. افشین مولوی یکی از کارشناسان خاورمیانه در موسسه «بنیاد جدید آمریکا» می‌گوید: «اصلا نمی‌شود تصور کرد که این کشور چگونه به این حد از رشد اقتصادی می‌رسد؟» او می‌افزاید: «ترکیه به بهترین نقطه برای سرمایه‌گذاری خارجی تبدیل شده است.»

بسیاری از کشورهای حوزه خلیج‌فارس و همین‌طور اعراب از سرمایه‌گذاران خارجی در این کشور محسوب می‌شوند. این سوای سرمایه‌گذاری موسسات و کارخانجات چندملیتی است. ایران و عراق نیز از عمده‌ترین شرکای تجاری ترکیه به حساب می‌آیند. این همه شرکای تجاری در واقع با نقشی که اردوغان در منطقه و جهان بر عهده گرفته است، حاصل شده است. ترکیه در حال حاضر بزرگ‌ترین کریدور انرژی در جهان به حساب می‌آید و خطوط لوله گاز و نفت بسیاری از آن کشور می‌گذرد. این کشور همچون چین کشوری است که در داخل و خارج زیرساخت‌های محکمی دارد. در زمینه نظامی ترکیه بعد از ایالات متحده آمریکا به لحاظ نیرو دومین کشور محسوب می‌شود و بسیار امیدوار است، در نهایت به اتحادیه اروپا ورود پیدا کند. اگرچه اروپاییان در چند سال اخیر با قیل و قالی که درخصوص «اسلام‌هراسی» راه انداخته‌اند کمی کار اردوغان را دشوار کرده‌اند. اما شاید مهم‌ترین عاملی که بتواند کارکرد داشته باشد یک دموکراسی مبتنی بر اسلام است.

اردوغان رویای رهبری منطقه را در سر می‌پروراند. احمد داود اغلو، وزیر امور خارجه ترکیه با گفتن «به صفر رساندن مشکلات فیمابین با کشورهای همسایه» مبدع نظریه‌ای می‌شود که حاکی از تقویت روابط با همسایه‌هاست. از این رو حزب عدالت و توسعه همسو با این نظریه روابط گرمی با کشورهای منطقه بالکان، ایران و سوریه و سایر همسایگان برقرار کرده است.

اردوغان دوست دارد تصویری از خود به نمایش بگذارد که خود را مردی از جنس مردم نشان دهد. از این‌رو است که با انقلاب‌های خاورمیانه هم‌پا می‌شود. بسیاری از شرکت‌های سرزمین آناتولی‌ها مدافعان وضع موجود هستند، چراکه رجب طیب اردوغان با تحولات منطقه‌ای سریع هم‌صدا می‌شود. زمانی که بهار عربی به کشور لیبی رسید، ترکیه پشت سرهنگ قذافی ایستاد. اما با نزدیک شدن به ایام انتخابات و کشته شدن غیرنظامی، اردوغان به حمایت از مخالفان قذافی پرداخت و در نهایت ترکیه همزمان با آغاز ناآرامی‌ها در سوریه، مرزهای خود را به روی پناهندگان سوری باز کرد. «استیون کوک» یکی از کارشناسان مسایل بین‌الملل در شورای روابط خارجی بریتانیا می‌گوید: «این بسیار خوب است که اردوغان از موضع اولیه خود در قبال لیبی و سوریه عقب نشست. اما با همه اینها، ترکیه بینش خاصی در قبال تحولات منطقه‌ای دارد.»

در حقیقت با شروع بهار عربی، ترکیه دو گزینه پیش رو دارد یا همچون چین خودمحور باشد و به فکر منافع خود باشد یا واقعیت‌های چندگانه بازی‌های سیاسی را بپذیرد و رهبری منطقه‌ای را بر عهده گیرد. «افشین مولوی» می‌گوید: «من فکر نمی‌کنم که اردوغان راه چین را پیش بگیرد. اما پرسشی که ترکیه باید از خود بپرسد این است که آیا ما لیبرال دموکراتیم یا نه؟»

منبع: تایم آسیا

نیم‌نگاه

سوئد و الگوی مبارزه با فحشا

فائزه توکلی

■ بهره‌کشی جنسی از زنان، گذشته‌ای به قدمت تاریخ بشر دارد، این پدیده امروز یکی از مهم‌ترین جرایم سازمان یافته و در عین حال سودآور ـ بعد از تجارت اسلحه و مواد مخدر ـ محسوب می‌شود و با وجود تلاش بین‌المللی برای کنترل و محدود ساختن آن، شبکه عظیمی از سوداگران در آن فعالیت می‌کنند. به حدی که این پدیده در برخی از کشورها به مشکلی اجتماعی تبدیل شده است، در تاریخ معاصر قاچاق انسان هم اکنون به یکی از پنج بحران جهانی ـ در کنار بحران‌های اتمی، محیط زیست، جمعیت و مواد مخدر ـ تبدیل شده است. بحرانی که پیشگیری از آن موکول به برقراری سیاست‌های اجتماعی در کنار اجرای برنامه‌های اقتصادی است و با برنامه‌ریزی، قانون‌گذاری و اجرای دقیق می‌توان انتظار داشت بر این معضل جهانی غلبه یافت. تجارب برخی کشورها در تاریخ معاصر در این زمینه قابل توجه است. کشور سوئد در این زمینه تدابیر قانونی اتخاذ کرده است و آن قانون ممنوعیت روسپیگری است که از سال ۱۹۹۹ لازم‌الاجرا شد. در قانون فوق‌الذکر تصریح شده است که: «هر کسی که در ازای پرداخت وجه، خدمات جنسی دریافت کند، اگر اقدامش تحت قوانین جنایی- عمومی قابل تعقیب نباشد، بر اساس این قانون گناهکار شناخته شده و به جریمه نقدی یا حداکثر شش ماه حبس محکوم می‌شود.» بخش اول این قانون حساسیت‌های بین‌المللی را به خود جلب کرده است که طی آن اولا خریداران روابط نامشروع ـ که اکثریت قریب به اتفاق مردان هستند ـ را در ردیف جنایتکاران قرار می‌دهد و ثانیا روسپیان ـ با اکثریت مطلق زن ـ از هر گناهی مبرا شناخته شده‌اند. تصویب این قانون حاصل زحمات و مطالعات و کمیسیون‌های متعدد و تلاش بیش از ۴۰ درصد از نمایندگان زن مجلس (Riksday) سوئد و تشکل‌ها و جنبش‌های مختلف زنان در سوئد بود.

این قانون نتیجه حرکت جامعه سوئد به سوی «اگالیتارینیسم» یا مکتب تساوی کامل بشر در تمامی امور حقوقی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی و دستیابی به حقوق مساوی و وظایف برابر برای زنان و مردان است.

پدیده روسپیگری که در اغلب کشورها وجود دارد به دنبال خواست جوامع مردانه‌ای است که معتقدند روسپیگری همیشه وجود داشته و خواهد داشت و باید آزاد باشد تا آنان دسترسی به منبع ارضای نیازهای نامشروع و غیراخلاقی خود را داشته باشند. در مقابل زنان سوئدی با جبهه‌گیری در مقابل این باور ناصواب اعلام کرده‌اند: «اینکه روسپیگری همیشه وجود داشته به آن معنا نیست که باید ادامه یابد.»

خنجرهایی که در خانه جا ماندند

مهم‌ترین مساله در تحولات اخیر یمن، اتحاد میان قبایل این کشور است. در حالی که جنگ‌های داخلی تصویری از اختلاف و مناقشات، از این کشور را در عرصه بین‌المللی به جای گذاشت. تجمعات هماهنگ اخیر در یمن، تصویر یکپارچگی از این کشور را در جهان ثبت کرد. محمد علی سبحانی، سفیر سابق ایران در لبنان و اردن و کارشناس مسایل بین‌الملل معتقد است، جنبش جدید در خاورمیانه که اکنون به یمن رسیده است علت متحد کردن جامعه یمن و ایجاد زبان مشترک برای خواسته‌ها و مطالبات مردم این کشور است.

تحلیل‌تان از وضعیت فعلی یمن چیست؟ به نظر شما آیا انتقال قدرت در این کشور اکنون صورت می‌گیرد؟

در مورد نتیجه اعتراضات مردم یمن هنوز نمی‌توان مطمئن بود و باید دید ترکیب سیاسی یمن چطور خواهد بود. اما در مورد وضعیت فعلی باید گفت هنوز حزب حاکم در این کشور و طرفداران علی عبدالله صالح باور نکرده‌اند که قدرت را از دست خواهند داد. از سویی دیگر اپوزیسیون و معترضان در این کشور هم آنقدر قوی و گسترده هستند که بازگشت صالح غیرممکن به نظر می‌رسد. بنابراین پیش‌بینی زمان انتقال قدرت مشکل است. اما قطعا انتقال قدرت صورت می‌گیرد و اعتراضات مردم نتیجه خواهد داد. اگر به خبر اعتراضات اخیر در این کشور توجه کنید، می‌بینید که موج اعتراضات به سراسر این کشور کشیده شده و تمام شهرها و روستاهای یمن امروز خواهان پایان حاکمیت علی عبدالله صالح هستند و این مساله شرایط را برای انتقال قدرت در یمن فراهم می‌کند.

ویژگی اعتراضات در یمن را نسبت به انقلاب‌های کشورهای عربی در چه می‌دانید؟

مهم‌ترین ویژگی اعتراض یمنی‌ها صبر مردم یمن و تاکید بر مسالمت‌آمیز بودن اعتراض‌هاست. در واقع جامعه یمن به علت قبایلی بودن و وجود اختلاف و مناقشات قدیمی میان این قبایل، جنگ‌های داخلی بسیاری دیده است که سبب شد جامعه این کشور مسلح شود؛ تا جایی که اکنون به‌ازای هر نفر، سه اسلحه در این کشور وجود دارد. ۶۰ میلیون اسلحه گرم در یمن موجود است در حالی که جمعیت این کشور ۲۰ میلیون نفر است. در این شرایط اصرار بر مسالمت‌آمیز بودن اعتراضات بسیار جالب و ستودنی است. شما می‌بینید که مردهای یمن برای اصرار بر مسالمت‌آمیز بودن اعتراضات‌شان، حتی خنجری که همیشه همراه خود دارند را در تجمعات اعتراضی نمی‌برند. این مساله نشان می‌دهد که این جامعه مسلح با این سرانه اسلحه تاکید دارد که بدون درگیری و خشونت به خواسته‌های خود برسد. البته در چند موردی هم که اعتراض‌ها به خشونت و درگیری رسید، به نظر می‌رسید که خواست مردم این نبود و درگیری‌ها خیلی مشکوک بود و مردم هم خیلی مقاومت می‌کردند که این اتفاق نیفتد. این احتمال وجود دارد که دستگاه امنیتی یمن در این درگیری‌ها نقش داشته باشد تا از وجهه مسالمت‌آمیز بودن این اعتراض‌ها کم کند.

علت اصرار بر مسالمت‌آمیز بودن این اعتراض‌ها با توجه به سابقه درگیری و جنگ‌های داخلی در این کشور چیست؟

علت این مساله ظهور جنبش جدیدی در خاورمیانه است. این جنبش اکنون در مصر و تونس به نتیجه رسیده و در چند کشور دیگر عربی از جمله یمن در حال مقابله با حاکمیت این کشورها است. مهم‌ترین ویژگی این جنبش‌ها مسالمت‌آمیز بودن آنهاست و این مساله متفاوت با حرکت‌های آزادی‌خواهانه دهه ۶۰ و ۷۰ میلادی در جهان است. ویژگی دیگر این جنبش‌ها مطالبه محور بودن آنهاست. در واقع در این جنبش مردم خواهان تغییر وضعیت سیاسی در جهت رسیدن به مطالبات خود هستند و این خواسته را هم بدون توسل به درگیری و خشونت می‌خواهند.

معمولا برای تغییر وضعیت سیاسی در یک کشور با احزاب اپوزیسیون طرف هستیم که با حزب حاکم مقابله می‌کند اما جنبش تعریف‌های دیگری دارد. آیا یمن و کشورهای دیگر عربی با تعریف جنبش، خواهان تغییر هستند؟

بله دقیقا. شما توجه کنید که یک جنبش مردمی، رهبری کاریزما ندارد که مردم تحت تاثیر قرار بگیرند و دنباله‌روی وی باشند و ما می‌بینیم که هیچ حزب و فردی، رهبری جنبش در یمن و کشورهای دیگر عربی را بر عهده ندارد و در واقع این احزاب هستند که درون جنبش قرار گرفته‌اند و این جنبش با محوریت جوان‌ها پیگیری می‌شود. ضمن اینکه مردم در این جنبش، مطالبات اجتماعی دارند و خواسته‌هایشان شامل آزادی‌های اجتماعی، رفاه و حقوق مدنی و بهبود وضع اقتصادی است. ویژگی دیگر جنبش‌ها استفاده از صنایع ارتباطی مدرن مانند اینترنت برای مطلع کردن افراد و پیگیری خواسته‌هاست.

چرا لایه‌های مختلف اجتماعی و قبایل یمن اکنون با هم علیه صالح متحد شدند؟

جامعه یمن که سال‌ها درگیر مناقشات و اختلافات داخلی بوده است با حرکت جدید آزادی‌خواهی در خاورمیانه، به یک اتحادی در خواستگاه‌ها و مطالبات رسید که توانست تمام لایه‌های اجتماعی و قبایل در این کشور را با هم متحد کند و به زبان مشترکی برساند. در حالی که این اتحاد پیش از این در جامعه یمن وجود نداشت. قبایل و احزاب هر کدام خواسته‌های سیاسی خود را پیگیری می‌کردند.

فکر می‌کنید با تغییر وضعیت سیاسی در یمن، ارتباط ایران و این کشور بهتر شود؟

به طور کلی تغییر دولت‌های سنتی در کشورهای منطقه، به نفع ایران است و بر این مبنا به قدرت رسیدن دولتی مردمی و دموکراتیک در یمن، قطعا در بهبود روابط این کشور با ایران تاثیر خواهد داشت.